



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۲۱	تاریخ	۱۴۰۳ / ۰۸ / ۱۴
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»				
عنوان ۳	مطلب اول: اسامی سوره حمد و تفسیر آنها ❖ ۵. المثنی • وجه تسمیة سوره به المثنی ➤ وجه اول: تکرار دوبار آن در نماز ➤ وجه دوم: نزول دوبار آن ➤ وجه سوم: دو قسمت بودن سوره				
عنوان ۴	اسامی غیر مشهوره سوره الحمد ❖ ۱. کنز ❖ ۲. الشافیة (الشفاء) ❖ ۳. وافیة ❖ ۴. صلات ❖ ۵. الکافیة ❖ ۶. الأساس				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

درآمد بحث

بحث ما در اسامی سوره الحمد بود. گفتیم که در روایات و منابع اسلامی ما اسامی متعددی برای آن، ذکر شده است:

- اسم اول همان «فاتحة الكتاب» بود که راز تسمیة این سوره به آن را گفتیم.
- اسم دوم «حمد» یا «سورة الحمد» بود.
- نام سوم «أم الكتاب» و «أم القرآن» بود و وجوهی هم برای أم الكتاب بودن آن نقل کردیم.
- اسم چهارم «السبع» بود؛ چون در آیه کریمه آمده است: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾^۱.

۵. المثنی

اسم پنجم این سوره «مثنی» بود و در علت تسمیة این سوره به آن، چند وجه، ذکر شده بود:

۱. سوره حجر: ۸۷.

وجه تسمیه سوره به المثنی

وجه اول: تکرار دوبار آن در نماز

وجه اول، این است که در نمازها دوبار تکرار می شود؛ هم در رکعت اولی و هم در رکعت ثانیه؛ لذا هر آیه «مثنی» است و این سوره به لحاظ آیاتش «مثنی» نامیده می شود؛ چراکه همه آیاتش در نماز، دوبار تکرار می شود. مرحوم عیاشی در تفسیر خود، از یونس بن عبدالرحمن نقل کرده است:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام (وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ) قَالَ: هِيَ سُورَةُ الْحَمْدِ، وَهِيَ سَبْعُ آيَاتٍ، مِنْهَا: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ الْمَثَانِي لِأَنَّهَا تُثْنَى فِي الرَّكَعَتَيْنِ»^۱.

وجه دوم: نزول دوبار آن

در وجه دوم گفته شده است: «لأنّها نُزِلَتْ مَرَّتَيْنِ»؛ چون این سوره دوبار نازل شده است؛ یک بار در اول بعثت در مکه مکرمه؛ و بار دیگر هم در مدینه مشرفه. البته گفته می شود که برخی از سوره و آیات قرآنی، تکرار نزول داشته و این سوره نیز به همین دلیل، «مثنی» نام گرفته است و «مثنی» هم به لحاظ آیات است؛ یعنی وقتی آیات سبع این سوره، در نزول، دوبار تکرار شده اند، این گونه نام گذاری گردیده اند.

این دو وجه را زمخشری در «کشاف» نقل می کند:

«سورة فاتحة الكتاب، مكية. وقيل: مكية ومدنية؛ لأنها نزلت بمكة مرة وبالمدينة أخرى. وتسمى... المثنى لأنها تُثْنَى في كل ركعة»^۲.

وجه سوم: دو قسمت بودن سوره

وجه سوم در تسمیه «مثنی» چیزی است که در روایت آمده. در حدیث قدسی می خوانیم که این سوره دو قسمت دارد و خدای متعال می فرماید: بخش نخست آن، از آن من است و بخش دومش، از آن بنده. بخش اولش تا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» حمد و ثنای الهی است و بخش دوم از «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» تا پایان سوره، مربوط به عبد است که از خدا می خواهد: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» و چون دوبخشی است، از آن به «مثنی» تعبیر شده. در روایت می خوانیم:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: قَسَمْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي، فَصَفُّهَا لِي، وَنِصْفُهَا لِعَبْدِي، وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ...»^۳؛

من فاتحة الكتاب را بین خودم و بنده ام تقسیم کرده ام؛ نیمی از آن، از آن من است و نیم دیگرش از آن بنده من؛ و نصف دومش که از آن بنده من است، سؤال العبد و دعای او برای هدایت به صراط مستقیم است. آنچه بنده از من بخواهد و نیازش را در پیشگاه من مطرح کند، به او خواهم داد.

۱. تفسیر العیاشی؛ ج ۱، ص ۱۹.

۲. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ ج ۱، ص ۱.

۳. أمالی صدوق؛ ص ۱۷۴.

البته می شود گفت همه این وجوه هم ممکن است و کَلْشان در تسمیه این سوره، دخل داشته باشند.

اسامی غیر مشهوره سورة الحمد

این پنج نامی که بر شمردیم (فاتحه، حمد، سبع، مثنی و أمّ الكتاب) نام های مشهور این سوره اند؛ ولی اسامی دیگری هم برای این سوره، ذکر گردیده که به این شهرت نیستند و اسامی غیر مشهوره آن، محسوب می شوند که عبارتند از:

۱. کنز

از اسامی غیر مشهوره این سوره، «کنز» به معنای گنج است؛ چون در حدیث قدسی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده که خدای متعال به حضرت فرمود:

«وَأَعْطَيْتُ أُمَّتَكَ كَنْزًا مِنْ كُنُوزِ عَرْشِي: فَاتِحَةَ الْكِتَابِ»؛

من یکی از گنج های عرش خود را به امت تو بخشیده ام و آن، فاتحه الكتاب است. گنج است؛ یعنی هر چه انسان می خواهد، در آن است.

در ضمن روایت دیگری از رسول الله صلی الله علیه و آله چنین آمده است:

«وَإِنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِي كُنُوزِ الْعَرْشِ»؛^۱

شریف ترین چیزی که در گنج های عرش الهی، وجود دارد، سوره فاتحه الكتاب است.

پس این است علت آنکه یکی از نام های سوره فاتحه الكتاب، «کنز» است.

۲. الشافیه (الشفاء)

نام دیگر غیر مشهوره این سوره، «الشافیه» و «الشفاء» است؛ چون در روایاتی فراوان می خوانیم که سوره حمد، شفاء برای بندگان خداست؛ از جمله، روایتی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله که به جابر فرمود:

«يَا جَابِرُ أَلَا أَعْلَمُكَ أَفْضَلَ سُورَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ؟ قَالَ: فَقَالَ جَابِرٌ: بَلَى يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمْنَاهَا. قَالَ: فَعَلَّمَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَمَّ الْكِتَابِ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا جَابِرُ أَلَا أَخْبِرُكَ عَنْهَا؟ قَالَ بَلَى يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي فَأَخْبِرْنِي، قَالَ: هِيَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ يَعْنِي الْمَوْتَ».^۲

۳. وافیه

هشتمین نام^۴ از نام های سورة الحمد، «وافیه» است و در علت نام گذاری اش، لاقل، دو وجه بر شمرده اند: وجه نخست: این سوره در نماز، تبعیض نمی شود و نمی توان بعضی از آن را حتی در نماز نافله خواند. در نماز فریضه، وضعیت معلوم است؛ اما در نماز های نافله نیز نمی توان بخشی از سوره حمد را خواند و بخشی از آن را نخواند؛ در حالیکه

۱. تفسیر نور الثقلین؛ ج ۱، ص ۴.

۲. أمالی صدوق؛ ص ۱۷۵.

۳. تفسیر العیاشی؛ ج ۱، ص ۲۰.

۴. با توجه به کل نام ها اعم از مشهوره و غیر مشهوره؛ اما طبق نام های غیر مشهوره، نام سوم است. همچنین در ادامه هم به این نحو نام گذاری کردیم. [مقرر].

یک آیه از سایر سور قرآنی را در نوافل می شود خواند یا بخشی از آن را قرائت کرد. به عبارت دیگر، سایر سور در نمازهای مستحبی، قابل تنصیف و تبعیضند؛ اما سورة الحمد، وافی است؛ یعنی باید آن را تماماً خواند چون «وافی» به معنای «تمام» است.

وجه دوم: وجه دیگری که برای وافیه گفته شده، همان وجهی است که برای برای سورة حمد در اول گفتیم و آن، این است که گفتیم یکی از اسماء سورة الحمد «اصل» است؛ چون ریشه همه معانی قرآنی است و ریشه همه معانی قرآنی در سورة الحمد، وجود دارد. اگر قرآن و آیات یا معانی قرآن را مثل یک درخت، تصویر کنیم، سورة الحمد، ریشه آن خواهد بود. نیز در سابق گفتیم که یکی از علل نام گذاری سورة حمد به «أم الكتاب» این است که «أم» در معنای اصل به کار می رود و چون فاتحة الكتاب، اصل و ریشه معانی قرآنی است، چنین نامی به خود گرفته است. همین وجه یا نظیر آن هم در کلمه «وافیه» آمده؛ چراکه برای همه معانی قرآنی، وافی و کافی است و همه آنها را در بر دارد ولو علی نحو الاختصار.

پرسشگر: ...

معظم له: وقتی آدم معنایی را مدام در ذهن خودش استحضر کرد و به خودش تذکر داد، به تدریج، ملکه می شود. تکرار، موجب ملکه شدن است و این شامل تکرار فعل، تصور و فهم یک مطلب می شود. این منشأ ملکه شدن است.

۴. صلات

باز هم یکی از اسامی غیر مشهوره سورة الحمد «صلات» است. مسلم در «جامع الصحیح» خویش از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است:

«قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: قَسَمْتُ الصَّلَاةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نَضْفَيْنِ، وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: حَمِدَنِي عَبْدِي ... فَإِذَا قَالَ: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» قَالَ: هَذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ؛

این روایت، شبیه روایتی است که درباره سورة فاتحة خواندیم^۲ که فرموده بود: «قَسَمْتُ الْفَاتِحَةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي»^۳ این روایت به جای کلمه «فاتحة» کلمه «صلات» دارد و می فرماید: من نماز را بین خودم و بنده ام تقسیم کرده ام. نیز گفته ایم که روایاتی که در منابع اهل سنت آمده، گاهی مکمل روایاتی است که در منابع ما ذکر شده است. مثلاً در روایاتی که ما داریم، عبارت: «وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ» وجود دارد؛ اما فراز: «قَالَ: هَذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ» ذکر نگردیده است؛ اما در این روایت آمده.

۵. الکافیة

نام دهم سورة حمد - که از اسامی غیر مشهوره آن نیز هست - نام «الکافیة» است و در وجه تسمیه آن گفته شده: «لأنّها تکفی عمّا سواها فی النوافل و لا یکفی سواها عنها»؛ در نوافل می توان سورة حمد را به تنهایی خواند و سورة دیگری به آن منضم نشود؛ اما نمی توان سورة دیگری را خوند و سورة حمد را نخواند. پس سورة الحمد، سوره ای است که از دیگر سور در

۱. صحیح مسلم؛ ج ۱، ص ۲۹۶.

۲. البته قبلاً به این روایت اشاره نشده بود. [مقرر].

۳. مستدرک الوسائل؛ کتاب الصلاة، ابواب قراءة القرآن ولو فی غیر الصلاة، ب ۴۴، ح ۱.

نوافل، کفایت می‌کند و می‌توان در نافله، این سوره را قرائت کرد و سوره دیگری به آن نیفزود؛ اما سور دیگر قرآن کریم، از حمد، کفایت نمی‌کنند و نمی‌توان به جای حمد، سوره توحید یا هر سوره دیگری خواند؛ لذا تکفیی عمّا سواها.

پرسشگر: ...

معظم له: تکفیی یعنی در صحت صلات. اگر می‌خواهید نماز بخوانید؛ مخصوصاً در جایی که عجله دارید، می‌توانید فقط حمد بخوانید و سوره اخلاص یا هر سوره دیگری قرائت نکرد. پس تکفیی. در نماز و نوافل اگر سوره حمد را به تنهایی خواندید، نافله تان صحیح است؛ اما اگر بخوانید سوره دیگری بخوانید و سوره حمد نخوانید، نافله شما باطل می‌شود؛ چون «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^۱ و این شاهد بر این مطلب است که سوره الفاتحة تکفیی عمّا سواها و لکن لا یکفیی سواها عنها:

«روي عن النبي ﷺ: أمّ القرآن عوضٌ عن غيرها وليس غيرها عوضاً عنها»^۲؛

پیامبر ﷺ فرمود: در نماز نافله، سوره حمد می‌تواند به جای بقیه سور، خوانده شود و سور دیگر، قرائت نگردد؛ اما سور دیگر نمی‌توانند جایگزین سوره حمد شوند.

۶. الأساس

اسم یازدهم از اسامی سوره حمد، که از اسامی غیرمشهوره آن نیز هست، «الأساس» است. چرا؟ لما روي عن ابن عباس:

«إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسًا... وَأَسَاسُ الْقُرْآنِ الْفَاتِحَةُ وَأَسَاسُ الْفَاتِحَةِ بِسْمُ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۳.

البته این روایت به ابن عباس، رسیده و مقطوعه است؛ اما بعید است که ابن عباس علمش را از امیرالمؤمنین عليه السلام نگرفته باشد؛ چون تلمیذ حضرت امیر عليه السلام بوده و تقریباً همه آنچه آموخته، از آن حضرت فرا گرفته است؛ مگر برخی از روایات نادره‌ای که مستقیم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله دریافت کرده است. در این روایت می‌گوید: همه قرآن روی پایه فاتحه، استوار است و سوره فاتحه نیز بر «بسم الله الرحمن الرحيم» استوار گردیده.

ادامه بحث که در امر ثانی (فضل سوره الحمد) است را در جلسه آینده پی می‌گیریم.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. عوالی اللثالی؛ ج ۱، ص ۱۹۶.

۲. مجمع البیان؛ ج ۱، ص ۸۷.

۳. همان.